

ادامه از صفحه اول

#### مردی از جنس مروت

حکومت پیامبر برای مسلمانان منشأ خیرهای زیادی بوده و هست. در این مختصر به زندگی رسول‌خاتم(ص) نمی‌پردازم. ولی در ۱۴۰۰ سال پیش، مردی تنها با یک پیراهن، سوار بر استر به‌همراه غلام خود وارد شهر کوفه شد. هیچ‌کس باور نمی‌کرد این مرد می‌خواهد «آرمان‌شهر» بشری و نبوی را بر این برج و بارو بنا نهد. او می‌خواست روح دادگری را میان بزرگ‌وکوچک، سیاه‌وسفید، عرب‌وعجم، در تمام کشورهای اسلامی، با گسترده وسیع آن، بدمد.

او به‌راستی حکومت اخلاق‌محور، فضیلت‌گرا و انسان‌مدار را از این اقق غیارگرفته به مردم نشان داد. آن روز که وارد شهر کوفه شد با مردم ناسپاس و عهدشکن، پیمان بست هنگام واگذاری حکومت، بیش از آنچه با خود آورده است، با خود برد. او آن‌چنان بر این پیمان استوار ماند که پس از ۱۴ قرن، همه‌جان‌ها تشنه تحقق‌بخشیدن قطره‌ای از آن دریا هستند. همه با حکومت او دانستند سعادت انسان‌ها چگونه ممکن است. سعادت در آرمان‌شهر او، یعنی اینکه حاکمی از نبود امنیت برای یک زن غیرمسلمان در جامعه، آرزوی مرگ کند و بگوید «اگر مسلمانی به‌خاطر بیرون‌آوردن خلخال از پای زن یهود، از غصه بمیرد، چه جای ملامت». (خطبه ۲۷).

انسانی که حاضر نیست دنیا را با کوچک‌ترین ظلم و معصیتی به‌دست بیاورد و می‌گوید: به خدا قسم اگر هفت اقلیم را با آنچه زیر آسمان‌های آنهاست به من دهند تا خداوند را با ربودن پوست جویی از دهان مورچه‌ای معصیت کنم، به چنین کاری دست نمی‌زنم و بی‌شک دنیای شما نزد من از برگ‌سی که در دهان ملخی است و آن را می‌جود، خوارتر است (خطبه ۲۴)؛ انسانی که از این فضایل به قدر تمام شخصیت‌های انسانی به تتبایی بهره دارد. به‌نظر می‌رسد هرکسی که به وادی علی‌شناسی وارد شود، به وادی حیرت و عشق وارد می‌شود. حتی خواندن زندگی امام‌علی(ع) هم خواننده را به حیرت وام‌دارد و هم مجذوب ایشان می‌کند.

رسیدن به این دو نکته است که امام خمینی(ره) در توصیف امیرالمؤمنین(ع) می‌گوید (صحیفه ج ۱۱، ص ۲۱): من می‌گویم اگر چنانچه پیغمبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم غیر از این موجود تربیت نگردد بود، کافی بود برایش، اگر چنانچه پیغمبر اسلام مبعوث شده بود برای اینکه یک همچو موجودی را تحویل جامعه بدهد، این کافی بود.

ادامه از صفحه ۳

#### کارگران ایران به‌منابه یک جنبش

طبیعتا طبقه کارگر صنعتی به سبب آنکه زائیده تحولاتی است که از دل پروسه نوسازی اقتصادی– اجتماعی درآمده و توسط جناح تکنوکرات و حامی طبقه متوسط صورت پذیرفته، خود نیز فضای حیاتی‌اش را در سپهر اصلاحات یافته‌باوجود انتقادات به مناسبات کارفرما– کارگر در دوران ۱۶ساله حاکمیت دولت سازندگی و اصلاحات، در کل به‌طور اصولی از این جناح‌ها و دولت‌ها حمایت می‌کنند.اصلاحات نیز به‌منابه مطالبه و خواست بنیادین طبقه متوسط، از شکل‌گیری نهادها و اشکال حافظ حقوق کارگران در چارچوب نظم دموکراتیک استقلال کرده و با آغوشی باز و حمایتی آشکار به سراغ تشکل‌های صنفی – سیاسی کارگری می‌رود.

در این سال‌ها عمدتا وظیفه پیکیری و حمایت از مطالبات کارگری را خانه کارگر به دوش می‌کشید. با استقرار دولت احمدی‌نژاد که برکشیده از مطالبات طبقات فرودست جامعه بود، شعار «برابری» و عدالت «دستمایه» سیاست «توده‌ستانیه» دولت گرفت. قرات شعار «نفت بر سر سفره مردم» و تلاش برای بسیج اجتماعی طبقات پایین‌دست جامعه در همراهی سیاست‌های عدالت‌گرایانه دولت، باعث شد تا برخی آغازی نو در تاریخ انقلاب اسلامی را برپایه عدالت نوید دهند. طرفه آنکه دولت، مؤتلفین طبقاتی خویش یعنی طبقه فرودست غیرمولد و کارگران ماقبل صنعتی را هدف قرار داد اما در آشفتنگی سیاست‌گذاری حتی نتوانست همین طبقه را نیز به مقصود برساند.

اتخاذ سیاست‌های مخرب اقتصادی و تولیدستیزانه موجب شد تا طبقه کارگر به مرور زمان در وانفسای معیشت گرفتار شود. پیروزی دولت اعتدال اما خیر خوبی برای کارگران بود؛ هم از این‌رو که دولت با شعار تعدییر و به‌دور از رفتارهای پوپولیستی برنامه منسجمی را جهت خروج از رکود و کنترل تورم به‌کار گرفت که این دو می‌توانست وضعیت کارگران و فرودستان را بهتر کند و هم از این جهت که وزیر کار خود را از اعضای شورای مرکزی قدیمی‌ترین و منسجم‌ترین تشکل صنفی – سیاسی کارگری یعنی خانه کارگر انتخاب کرد. از سوی دیگر تاکید بر «رفاه» فرودستان، فقرا و کارگران در چارچوب سیاست‌گذاری رفاهی و توزیع هدفمند و منطقی ثروت از جمله نشانه‌هایی بود که می‌توانست امید را به این طبقه اجتماعی برگرداند. اما مطالبات جریان کارگری بیش از اینها تعریف می‌شود.

شرق: روز اول می، به احترام مقاومت و پایدردی کارگران معترض به شرایط سخت و ناعدالانه کاری در آمریکا و به احترام کسانی که در این راه جان خود را از دست دادند تا حقی پامال‌شده به ذی‌حق برگردد، در حالی به‌عنوان روز جهانی کارگر گرامی شمرده می‌شود که هنوز و شاید همیشه، کارگر در فرودست بوده و دست و چشمش به بالادست. روز کارگر نباید چیزی جز دعوت و همت به حل مشکلات این قشر باشد. مشکلاتی که همه فریاد می‌زنیم و با صاحبان آن هم‌دردی می‌کنیم و البته عامل و منبع آن نیز مشخص است. وقتی قانون، کارگر را با قرارداد موقت، چنان حراج می‌کند که گویی می‌شود نگاهی یک‌بارمصرف به او داشت. وقتی اصرار و اجبار قانون فقط در اعمال حداقل‌ها خلاصه می‌شود و وقتی کارگر، موظف به کار، معنی می‌شود نه موظف به زندگی… فریادزدن حقوقش، گویا قیل‌وقالی است برای پوشاندن سیمای ناپسند خودکرده‌ها، برای مغلطه‌کردن در آنچه هست و آنچه می‌توانست باشد. محمد مالجو و پرویز صداقت در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران به پاس روز جهانی کارگر یک‌بار دیگر وضعیت زیستی و معیشتی کارگران را از انظر گذراندند.

#### وخامت شرایط زیستی کارگران

محمد مالجو/ اقتصاددان: شرایط زیستی کارگران، خصوصا در سال‌های گذشته روبه وخامت گذاشته است. حداقل دستمزدها، سایر سطوح دستمزدی کارگران، ایمنی محل کار، امنیت شغلی و شدت کار و شرایط مسکن کارگران و سایر مؤلفه‌ها، همه البته با فرازونشیب‌های مختلف، خصوصا در بیست‌وچند سال اخیر، روبه وخامت داشته است. من در دقایقی که در اختیار دارم، تلاش می‌کنم پاسخ جریان غالب اندیشه اقتصادی، که آرا و ایده‌های آن تا حد زیادی در دستور کار قرار گرفته و امروزه حیات و ممات ما را شکل داده است، بازگو کنم. می‌گویم اصول و راه‌حلی که این اندیشه غالب همواره، خصوصا در سال‌های پس از جنگ، در دستور قرار داده چه بوده است. در متن تحلیل، آنها از وضعیت و همچنین راه‌حلی که برای برون‌رفت از وضعیت نامطلوب کارگران و البته بخش عمده مردم به‌دست می‌دهند، تلاش می‌کنند پاسخ بدیعی را مبتنی بر نقد سیاسی به‌دست دهند. می‌گویم نشان دهم که بخشی از علل و نه همه عوامل بخشی از افت شرایط زیستی و کاری کارگران، مشخصا معلول راه‌حل‌هایی است که اقتصاددانان جریان غالبی که توضیح خواهم داد در دستور کار قرار داده‌اند و برنامه‌های اقتصادی‌ای را مبتنی بر آن اجرا کرده‌اند. نوع تحلیل و راه‌حل‌هایی که اقتصاددانان جریان غالب، برای رفع مشکل معیشتی خصوصا کارگران ارائه می‌دهند نه راه‌حل، بلکه بخش مهمی از خود مشکل است.

گروه اقتصاددانان جریان غالب، باوجود اینکه تنوع بسیار زیادی درونشان حاکم است، بیش از هر چیز عبارت است از مجموعه‌ای از اقتصاددانانی که خود را پیرو بازار آزاد به‌اصطلاح راقابتی می‌دانند و به معنای دقیق‌تری که البته برای آنها خوشایند نیست می‌توانیم آنها را نولیبرال‌ها بنامیم. در کنار نولیبرال‌ها، باوجود تفاوت‌هایی که نه در هدف بلکه در مسیرهای رسیدن به هدف دارند. اقتصاددانان نهادگرا هستند که در ایران عمدتا جناح راست ایده‌های اقتصادی سوسیال دموکراتیک را نمایندگی می‌کنند.

توضیح می‌دهم این دو دسته اقتصاددان، که جریان غالب اندیشه اقتصادی را می‌سازند و واجد امکانات لجستیک هستند و فضاهای دانشگاهی و رسانه‌ای را در اختیار دارند و خصوصا پس از جنگ توانستند ایده‌های خود را بر بافت نرم مغز افکار عمومی بنویسند، چه پاسخی به چرایی افت شرایط زیستی و کاری کارگران می‌دهند. جدای از شاخ‌وبرگ‌ها و مستندات فراوانی که در بحث خود ارائه می‌دهند چکیده استدلالان عمدتا مبتنی بر شکافی است که بین عرضه و تقاضای نیروی کار در بازار کار وجود دارد. معتقد هستم که امروز و در سالیان گذشته ما همواره در ایران با وضعیتی روبه‌رو بوده‌ایم که عرضه نیروی کار بیشتر از

### اقتصاد

مالجو و صداقت در نشستی به مناسبت روز جهانی کارگر

## شرایط نامساعد کارگران، معلول راه‌حل‌های نئولیبرال‌ها



تقاضای نیروی کار بوده است. معتقد هستند وقتی صاحبان نیروی کار، از جمله کارگران، در بازار کار زیاد هستند و از دیگر سو تقاضا برای کار آنها از طرف بخش خصوصی، شبه‌دولتی و دولتی کم است، ناگزیر توان چانه‌زنی نیروی کار روبه کاستی می‌رود. تصویری ارائه می‌دهند که این وضع طبیعی است. درواقع این وضعیت کاهش توان چانه‌زنی کارگران و متعاقبا افت معیشت و شرایط زندگی آنها را بازتابی از عملکرد قوانین لاتینغیر علم اقتصاد می‌دانند، برایشان مایه خوشحالی نیست اما این امر را اسبابی طبیعی می‌دانند.

من در نیمه دوم بحث نشان خواهم داد که این امر، امری طبیعی نیست بلکه تاریخ ساخته است و مشخصا بیش از هر چیز به سیاست‌های اقتصادی سال‌های پس از جنگ بازمی‌گردد و به این اعتبار، از تقاضا، معلول راه‌حل‌هایی است که همین اقتصاددانان جریان اندیشه غالب، در دستور کار قرار داده‌اند. راه‌حل اینها برای بهبود وضعیت معیشتی کارگران در تمام سال‌های پس از جنگ تا امروز عبارت از این است که تقاضای کار را تحریک کنند. معتقدند عرضه نیروی کار عمدتا متناسب با تحولات جمعیت‌شناسانه و شکل هرم جمعیتی و رشد جمعیت شکل می‌گیرد اما معتقدند اگر متناسب با این حجم عرضه نیروی کار به بازار کار، شغل وجود ندارد، این به واسطه کاستی تقاضای کار در بازار کار است که از نگاه آنها بیش از هر چیز به نامساعدبودن شرایط کسب‌وکار و کندچرخیدن چرخ انباشت سرمایه در ایران برمی‌گردد. از دل این مسئله‌شناسی، راه‌حل را این می‌دانند که اگر قرار باشد تقاضای کار افزایش یابد، با اعتقاد به اینکه دولت کارفرمای خوبی نیست، کاندیدای اصلی برای تقاضای کار، شغل‌آفرینی و واژه بی‌معنی کارآفرینی، بخش خصوصی و صاحبان سرمایه هستند. صاحبان سرمایه هنگامی سرمایه‌گذاری و ایجاد شغل می‌کنند که انگیزه‌های لازم برای این کار را داشته باشند و هنگامی انگیزه خواهند داشت که شرایط کسب‌وکار از جمله حاشیه سودآوری مساعد باشد. یکی از مهم‌ترین عناصر برای افزایش حاشیه سود صاحبان کسب‌وکار، بورژوازی و صاحبان سرمایه عبارت است از: کاهش هزینه تولید که یکی از عناصر مهم کاهش هزینه تولید، کاهش سهم‌بری صاحبان کار از جمله کارگران در فرایندهای تولید و توزیع است، یعنی کاهش دستمزدها و افت همه مؤلفه‌هایی که تعیین‌کننده شرایط کاری و

#### باوجود رشد اندک شاخص بورس

## کم‌ارزش‌ترین روز بازار در سال جاری رقم خورد

پتروشیمی مبین به‌صورت کامل بود. البته باید به این موضوع توجه کرد که سهامدار اصلی این شرکت، هلدینگ خلیج‌فارس بوده که یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های بورسی با ۲۷هزار میلیارد تومان سرمایه است و تأثیر خود را روی شاخص گذاشته است.

مسافری‌راد افروز: با اینکه اخبار دیگری همچون کاهش دو درصدی نرخ سپرده‌های بانکی نیز بر روند بازار تأثیرگذار بود، نمی‌توان از آن به‌عنوان تأثیری شگرف یاد کرد، بلکه این خبر نیز فقط توانست روند منفی

| عنوان شاخص         | مقدار   | تغییر |
|--------------------|---------|-------|
| کل                 | ۶۵۶۳۴۰۱ | ۱۲۵۰۹ |
| ۳۰ شرکت بزرگ       | ۳۰۰۲۵۰۲ | ۰.۱   |
| آزاد شناور         | ۷۵۸۲۸۰۷ | ۴۶    |
| شاخص قیمت          | ۲۸۰۷۹۰۲ | ۵۳٫۸  |
| شاخص کل (هموزن)    | ۱۰۰۸۴۰۲ | -۱۰   |
| شاخص قیمت (هم‌وزن) | ۹۲۰۱۰۲  | -۹٫۲  |

زیستی کارگران است؛ فقط برای اینکه به حاشیه سود صاحبان کسب‌وکار اضافه شود تا شغل‌آفرینی و کارآفرینی کنند و وقتی کارگران به شغل دست یافتند از رهگذر دریافت حقوق و دستمزد منتفع شوند. این استدلال و راه‌حلی است که، باوجود تفاوت موجود که در مجموعه اقتصاددانان جریان غالب وجود دارد، همگی به آن معتقد هستند. ملاحظه می‌کنید مسیر بهبود شرایط کاری و زیستی کارگران در درازمدت مبتنی بر این تحلیل و راه‌حل، از معبر تضعیف معیشت آنها در کوتاه‌مدت می‌گذرد. این تحلیل نه‌تنها غلط بلکه خطرناک نیز است.

اگر مؤلفه‌های تعیین‌کننده شرایط زیستی کارگران افت پیدا کرده، به‌دلیل کاهش توان چانه‌زنی فردی و جمعی صاحبان نیروی کار بوده است. کاهش توان چانه‌زنی فردی و جمعی صاحبان نیروی کار عمدتا محصول نوع راه‌حل‌ها و نوع سیاست‌هایی بوده است که اقتصاددانان جریان غالب در دستور کار داشته‌اند و به بدنه سیاست‌گذاری‌های کشور تزریق کرده‌اند. به همین دلیل می‌گویم راه‌حل آنها نه راه‌حل بلکه بخشی از خود مشکل است. توان فردی صاحبان نیروی کار، ازجمله کارگران، معلول عوامل عدیدهای است که به بیان چهار مورد از مهم‌ترین آنها اکتفا می‌کنم.

۱- بیش از هر چیز پروژه طراحی‌شده موقتی‌سازی نیروی کار، با ربودن امنیت شغلی از بخش عظیمی از کارگران، مستقیما باعث کاهش توان چانه‌زنی فردی آنها در بازار و محل کار شده است. پس از جنگ، حدود ۶ درصد قراردادهای کار، موقت بود آن‌هم عمدتا مرتبط با مشاغلی که ماهیت موقت داشتند. امروز بعد از ۲۰ و چند سال، بنابر اذعان مسئولان وزارت کار کنونی، متجاوز از ۹۳ درصد از قراردادهای کار، بدون توجه به ماهیت دائمی یا موقت‌بودن کار، موقت هستند. این امر مطلقا غیرقانونی نبوده است. مبنای ربودن امنیت شغلی از صاحبان نیروی کار در قانون کار مصوب سال ۱۳۴۹ ریشه دارد. طبق تبصره دو ماده هفت قانون کار، اگر تاریخ پایان در قراردادی نوشته نشود آن قرارداد دائمی است. روی دیگر این تبصره این می‌شود که اگر در قراردادی تاریخ پایان نوشته شود، موقت است. تبصره یک همین ماده از قانون، البته وزارت کار را موظف کرده است- اگر اشتباه نکنم- ظرف مدت شش ماه پس از تصویب این قانون، آیین‌نامه‌ای را در هیات دولت به تصویب برساند که تعیین می‌کند کارهای موقت، چه دوره‌ای قرارداد داشته باشند. این آیین‌نامه هرگز در گذر این همه سال نوشته نشده است. به این اعتبار، قانون کار، با مختصر تخلف در نوشتن آیین‌نامه، زمینه اصلی و قانونی موقتی‌سازی‌هایی است که رخ داده است.

۲- غیر از عامل موقتی‌سازی قراردادهای کار، عامل دوم ظهور شرکت‌های پیمانکاری، تأمین نیروی انسانی است. شرکت‌هایی که در نقش دلال نیروی کار، رابطه حقوقی مستقیم بین کارگران و کارفرمایان دولتی، خصوصی یا شبه‌دولتی را قطع می‌کنند که در نتیجه موجب کاهش توان چانه‌زنی فردی مجموعه کارگران می‌شود. این شرکت‌ها کمترین هزینه‌های لاس‌ری را دارند و عمدتا مثل اشباح هستند و چون زالوصفت‌ترین بخش‌های بخش خصوصی را شکل می‌دهند، بی‌صدا و بی‌جنجال به کار ادامه می‌دهند و سود فراوانی به دست می‌آورند. کارفرما اعم از دولتی یا خصوصی چنانچه با شرکت‌های پیمانکاری تأمین نیروی کار، سروکار داشته باشد هزینه‌های درنظرگرفته‌شده برای نیروی کار را به این شرکت‌ها تحویل می‌دهد و اینها بابت این دلالتی حقوقی و خدمتی که به کارفرمایان می‌کنند، بخشی از این مبالغه را برای خود برمی‌دارند. اینها به واسطه ارتباطات وسیعی که خصوصا با وزارت کار در مقاطع مختلف و سایر وزارتخانه‌ها داشته‌اند، با چم‌وخم مراحل و مسائل مرتبط با قانون کار بسیار آشنا هستند. در دادگاه‌های کار و مراجع حل اختلاف به‌شدت نفوذ دارند و توانایی چانه‌زنی آنها بالا است و از همه این توانایی‌ها به نفع کارفرمایان و به زیان کارگران برای انعقاد و اجرای قراردادهایی بین این دو استفاده می‌کنند و در این قرارداده‌ها بازنده اصلی، به‌دلیل قطع رابطه مستقیم حقوقی با کارفرما، کارگران هستند.

|                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                    |
|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ادامه در صفحه ۵                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                    |
| <p>بازار را تعدیل کند و نمادهای بانکی نتوانستند جلوی ریزش را بگیرند. وی در ادامه تصریح کرد: با کاهش نرخ سود سپرده بانکی، نقدینگی موجود در جامعه افزایش خواهد یافت و احتمالا به‌سوی بازار سرمایه هدایت خواهد شد و بازار سرمایه آن را کمی افزایش می‌دهد، اما این دو درصد بسیار اندک بوده و آن‌قدر جذاب نیست که نقدینگی مورد نیاز بازار را جبران کند. از طرفی باید در بازه زمانی یک ماهه در صورت همراهی دیگر مؤلفه‌های اقتصادی، منظر مشاهده تأثیر واقعی این کاهش قیمت با تلاش‌های بازار سرمایه با ابراز نگرانی از کاهش ارزش بازار در روز گذشته ابرار کرد؛ به روندی که روزهای اخیر در بازار سرمایه در پیش گرفته شده چندان خوش‌بین نیستم، چراکه مشکل نقدینگی موجود بازار بورس همچنان پایرجاست و از سویی ارزش معاملات بورس از صد میلیارد تومان در روز سه‌شنبه با وجود روند مثبت بازار، در روز چهارشنبه به ۷۲ میلیارد تومان کاهش یافت که اگر از ۱۶ میلیارد تومان معامله سهم پالایشگاه نفت را که به‌صورت بلوکی جابه‌جا شد، کسر کنیم، به کمترین ارزش بازار (۵۶ میلیارد تومان) در سال ۹۴ می‌رسیم که روند بسیار نگران‌کننده‌ای خواهد بود.</p> |

### بازار دونرخی ارز

بوده اما بعضی اوقات شدت آن بیشتر و گاهی هم از شدت آن کاسته می‌شود. عوامل بانکی یک نرخ دارند و بازار نرخي دیگر. عوامل بانکی دلار را ارزان‌تر از بازاربان می‌فروشد. برای نمونه صبح دیروز

| ارز  | قیمت | تغییر          |
|------|------|----------------|
| دلار | ۳۳۱۹ | <span>↓</span> |
| یورو | ۳۶۷۰ | <span>↑</span> |
| پوند | ۵۱۱۰ | <span>↑</span> |
| درهم | ۹۱۲  | <span>↑</span> |

سه‌هزارو ۳۱۹ تومان
پایین آمد. اما بازار مدتی است که دونرخی است. این را مصطفی قدرتی، معامله‌گر ارز و سکه به «شرق» می‌گوید و در توضیحات بیشتر اضافه می‌کند: البته دونرخی شدن بازار از قبل

گزارش

#### نظر شورای پول به بانک‌ها نزدیک‌تر است کاهش نرخ سودبانکی

● شرق: شورای پول و اعتبار به‌دلیل ریزش تورم در کشور دست به کاهش نرخ سود بانکی زد. در جلسه سه‌شنبه‌شب شورای پول و اعتبار مصوب شد نرخ سود علی‌الحساب سپرده‌ها با دو درصد کاهش به ۲۰ درصد برسد و نرخ سود عقود مبادله‌ای حداکثر ۲۱ درصد و نرخ سود عقود مشارکتی با چهار درصد کاهش به ۲۴ درصد برسد. اگرچه در سال‌های گذشته حتی شیب تند نرخ تورم، شورای پول و اعتبار را به افزایش نرخ سود بانکی مجاب نمی‌کرد اما حالا با رسیدن تورم به ۱۵۰۶ درصد، اعضای این شورا مصمم شده‌اند تا بعد از هشت سال دولت محمود احمدی‌نژاد مطابق با رونق اقتصادی رفتار کنند. اغلب کارشناسان اقتصادی معتقد بودند، نرخ سود بانکی بین دو تا چهار درصد باید بالاتر از نرخ تورم تعیین شود و این اتفاق برای اولین‌بار در تاریخ ایران رخ داد. این رفتار عباسی شورای پول و اعتبار نزدیک به پیشنهادی است که چند وقت پیش همتی، مدیرعامل بانک ملی، از آن خبر داد. او چند هفته پیش به‌عنوان رئیس شورای هماهنگی بانک‌ها با مدیران‌عامل جلسه گذاشت که آنها در توافقی نرخ سود ۲۰ درصدی را برای سپرده‌های بانکی برگزینند در حالی‌که وزیر اقتصاد چند روز پیش نرخ موردنظرش برای سود سپرده‌های بانکی را ۱۸ درصد اعلام کرده بود. حالا عبدالناصر همتی در گفت‌وگو با ایرنا، نزدیکی پیشنهاد بانک‌ها با نظر شورای پول و اعتبار درخصوص نرخ سود سپرده‌ها را نظر کارشناسی بانک‌ها تعبیر می‌کند که به گفته او، بسیاری از آن با عنوان تبانی بانک‌ها یاد کرده بودند. پیش‌تر نهایوندیان، رئیس اسبق اتاق بازرگانی ایران، اواخر سال ۹۰ واژه تبانی را برای بانک‌ها به کار برد؛ زمانی که آنها در اقدامی دسته‌جمعی نرخ سود بانکی را تعیین کردند. این‌بار حال تحت هر عنوانی که باشد، نرخ سود کاهش پیدا کرده و به‌جای نظر وزیر اقتصاد، نظر بانک‌ها تأمین شده است. اما کاهش نرخ سود که با هدف رونق تولید در پیش گرفته شد، با چالش جدی مواجه است و به نظر برخی کارشناس کمکی به تولید نخواهد کرد.

##### بانک‌ها نقدینگی ندارند

**احمد حاتم‌ی‌بزد/کارشناس بانکی:** قبل از تصمیم اخیر شورای پول و اعتبار، نرخ سود پنج درصد بالاتر از نرخ تورم موجود کشور بود که قاعدتا این نرخ از زمان اجرا با نرخ تورم هماهنگی پیدا می‌کند. هدف از کاهش نرخ سود این است که تسهیلات ارزان در اختیار بخش تولید قرار بگیرد اما برای این منظور باید نقدینگی به اندازه کافی برای اعطای تسهیلات در اختیار بانک‌ها باشد. هم‌اکنون بسیاری از بانک‌ها به بانک مرکزی بدهکار هستند و نقدینگی موجود در دست بانک‌ها کم است ضمن اینکه بیش از ۹۰ هزار میلیارد تومان از مطالبات بانک‌ها نیز به‌صورت معوق درآمده و ۹۰ هزار میلیارد تومان هم دولت به بانک‌ها بدهکار است. با این وضع ۱۸۰ هزار میلیارد تومان از منابع بانکی قفل شده است. ازاین‌رو کاهش نرخ سود بانکی کمکی زیادی به تولید نخواهد کرد و هدف دولت در حمایت از تولید هم به‌طور کامل محقق نخواهد شد.

##### گران‌ترین بهره جهان در ایران

**علی نادری /امشاور خانه صنعت و معدن:** در هیچ‌کجای دنیا نرخ بهره به‌صورت دستوری تعیین نمی‌شود بلکه نرخ بهره را طبق قواعد بازار تعیین می‌کنند. در کشور انگلیس نرخ بهره چهار درصد بیشتر از نرخ تورم است که برای تشویق سرمایه‌گذاری، آن چهار درصد نرخ بهره را هم تخفیف می‌دهند و نرخ ترجیحی در نظر می‌گیرند. اما هم‌اکنون با اینکه نرخ سود تسهیلات را کاهش داده‌اند اما باز هم گران‌ترین نرخ بهره جهان از آن ایران است. ضمن اینکه نباید از یاد ببریم که هزینه‌هایی همچون تسعیر پول، سفته، کارشناسی‌های بانک که بیش از دو تا چهار درصد است، برای تسهیلات‌گیرندگان لحاظ می‌شود. پس عملا نرخ بهره گران است. هنوز نرخ تورم در کشور ما بالاتر از اقتصادهای توسعه‌یافته خارج نشده است، باوجود اینکه دولت عنوان می‌کند اقتصاد از رکود خارج شده اما فعالیت تولیدکنندگان و صنعتگران همچنان در رکود است. بنابراین می‌توانید از همین لحظه به‌بعد بازار را مانیئور کنید تا ببینید که کاهش نرخ سود اثر مثنی روی فعالیت تولیدکنندگان و ازدیاد تولید در کشور نخواهد داشت و این کاهش نرخ سود هم باعث رفع رکود نمی‌شود.

خبر

#### نامه سرگشاده‌مردگران درباره مرغ‌هورمونی

● تسنیم: اتحادیه‌های تولیدکننده مرغ گوشتی با ارسال نامه‌ای سرگشاده به رئیس سازمان غذا و دارو، از اظهارات وی در ارتباط با مصرف هورمون در تولید مرغ گلایه کردند. تشکل‌های تولیدکننده مرغ گوشتی در نامه‌ای سرگشاده به دبیراوند، رئیس سازمان غذا و دارو، از اظهارات وی و سازمان غذا و دارو، در ارتباط با مصرف هورمون در تولید مرغ گوشتی گلایه کردند. در این نامه آمده است مواردی که درباره استفاده از هورمون در تولید مرغ مطرح شده، غیرکارشناسی بوده و منجر به تضعیف تولید ملی و نگرانی مردم می‌شود.